

## بررسی روایی و پایایی مقیاس شخصیت اصیل

عبدالحسین شمس‌ی\*<sup>۱</sup>، امیر قمرانی<sup>۲</sup>، مریم صمدی<sup>۳</sup>، مریم احمدزاده نیره<sup>۴</sup>

### چکیده

از پژوهش حاضر بررسی روایی و پایایی مقیاس شخصیت اصیل - فرم ۱۲ سؤالی (وود و همکاران ۲۰۰۸) در گروهی از دانشجویان دانشگاه اصفهان و دانشگاه علوم پزشکی (۱۷۵ دختر و ۱۲۹ پسر) بود. برای بررسی روایی پرسشنامه از روش‌های روایی محتوا، همبستگی گویه‌ها با نمره کل (تحلیل مواد)، همبستگی خرده‌آزمون‌ها با نمره کل و تحلیل عوامل استفاده شد. پایایی مقیاس یاد شده به وسیله روش‌های آلفای کرونباخ و پایایی تنصیفی بررسی گردید. همبستگی گویه‌ها با نمره کل (۰/۴۵ تا ۰/۷۹) و خرده‌آزمون‌ها با نمره کل (۰/۶۹ تا ۰/۷۹) در تمام موارد معنی‌دار بود. تحلیل عوامل مقیاس ۳ عامل از خودبیگانگی، زندگی اصیل و پذیرش تأثیر بیرونی را نشان داد. همچنین ضرایب آلفای کرونباخ مقیاس برای خرده‌مقیاس از خودبیگانگی، زندگی اصیل، پذیرش نفوذ بیرونی و نمره کل به ترتیب ۰/۸۰، ۰/۷۷، ۰/۸۱ و ۰/۸۲ بدست آورد. ضریب پایایی تنصیفی مقیاس نیز ۰/۷۴ برآورد شد. همچنین مشخص شد که بین دختران و پسران به لحاظ شخصیت اصیل تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. در مجموع، نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که مقیاس شخصیت اصیل از ویژگی‌های روانسنجی مطلوبی برای استفاده در ایران برخوردار است.

**واژه‌های کلیدی:** شخصیت اصیل، روایی، پایایی.

۱ دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی و آموزش کودکان با نیازهای خاص، دانشگاه اصفهان.

۲ دکترای روانشناسی، استادیار گروه روانشناسی کودکان با نیازهای خاص، دانشگاه اصفهان.

۳ دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی و آموزش کودکان با نیازهای خاص، دانشگاه اصفهان.

۴ دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی و آموزش کودکان با نیازهای خاص، دانشگاه اصفهان.

\* نویسنده‌ی مسئول مقاله، h.shamsi915@gmail.com

## مقدمه

در بسیاری از دیدگاه‌های روانشناسی و مشاوره، اصالت<sup>۱</sup> یکی از اساسی‌ترین جنبه‌های زندگی سالم در نظر گرفته می‌شود (هورنای، ۱۹۵۱؛ می، ۱۹۸۱؛ راجرز، ۱۹۶۱ به نقل از وود ۲۰۰۸). محققین و متخصصین بالینی در دهه‌های اخیر توجه خود را به مفهوم اصالت در روابط انسانی معطوف کرده‌اند، چرا که معتقدند سطوح پایین اصالت با جنبه‌های منفی سلامت روان همچون (سطوح بالای افسردگی و سطوح پایین عزت نفس) همراه است (تولمن و همکاران، ۲۰۰۰). در روانشناسی انسان‌گرا و وجودگرا برای فهم زندگی سالم و رهایی از آسیب‌های روانی، تفاوت‌های فردی در اصالت بسیار مهم تلقی شده‌اند (می، ۱۹۸۱؛ راجرز، ۱۹۵۹؛ یالوم، ۱۹۸۰ به نقل از وود ۲۰۰۸). علاوه بر این، دیدگاه روان‌پویایی نیز بر اهمیت اصالت و شناخت خود تأکید می‌کند (هورنای ۱۹۵۱؛ وینیکات ۱۹۶۵؛ به نقل از وود ۲۰۰۸). نظریه‌های مذکور بیان می‌کنند که اصالت نه تنها به عنوان یک مقدمه برای زندگی سالم بلکه جوهره اصلی رفاه و زندگی سالم است. بررسی تاریخچه اصالت گویای آن است که شناخت خود و عمل مطابق آن (یا همان اصالت) همواره به عنوان یک ارزش اخلاقی در طول تاریخ مطرح بوده است (هارتر ۲۰۰۲).

علیرغم سابقه و اهمیت اصالت، مطالعه علمی اصالت تا حدود زیادی در روانشناسی تجربی مورد بی‌اعتنایی قرار گرفته است (شلدون، ۲۰۰۴). با این وجود، جنبش اخیر روانشناسی مثبت شروع مجددی را در پرداختن به اصالت سبب شده است (لینلی و همکاران، ۲۰۰۶). پیترسون و سلیگمن (۲۰۰۴) اظهار می‌دارند که اغلب مردم معتقدند صداقت، اصالت و درستکاری نقاط قوت<sup>۲</sup> انسان‌اند. مفاهیم نظریه هورنای نیز نشان می‌دهد که شخصیت اصیل از طریق مقایسه خود با دیگران به دست می‌آید و تحول شخصیت سالم در صورتی امکان‌پذیر است که افراد نقص‌ها، افکار و احساسات خود را بپذیرند. همچنین هورنای بیان می‌کند که افراد با اصالت پایین در برابر تهدید یا بی‌عدالتی حساس هستند و در برابر چالش‌های محیطی به صورت خصمانه پاسخ می‌دهند (هورنای ۱۹۵۱؛ به نقل از پینتو ۲۰۱۱). علاوه بر این هورنای (۱۹۵۱-۱۹۴۵) اظهار می‌دارد سطوح پایین اصالت بیانگر نوروژ است. واکنش افراد نوروژیک به صورت تسلیم شدن یا کناره‌گیری است. پژوهش‌های قبلی نشان می‌دهند افرادی که به رفتارهای بازدارنده روی می‌آورند سطوح پایین اصالت و عزت نفس و میزان بالای افسردگی را تجربه می‌کنند (لویز و رایس، ۲۰۰۶؛ نف و هارتر، ۲۰۰۲). یافته‌های پژوهش رابینز و پاتون (۱۹۸۵) نشان می‌دهد که افراد دارای شخصیت اصیل، دودلی کمتری در رابطه با حرفه و شغل خود دارند و در مسائل کاری خود کمتر دچار فقدان

1- Authenticity  
2-basic strengths

هدف و انگیزه می‌شوند (به نقل از وایت ۲۰۱۰). نتایج پژوهش هارتر و همکاران (۱۹۹۶) گویای آن است که اصالت با عملکرد بهتر در روابط بین فردی همراه است و سطوح بالای "احساس اصالت" در نقش‌های مختلف اجتماعی، با رضایت از نقش بالاتر و افسردگی پایین‌تر مرتبط است. برونل و همکاران (۲۰۰۹) بیان می‌کنند زوج‌هایی که نمرات بالاتری در پرسشنامه اصالت کسب نمودند، به شیوه‌های سالم و صمیمی رفتار کردند که همین امر رضایت زناشویی بالاتری را به دنبال داشت، لذا اصالت به طور مستقیم و غیر مستقیم به تنظیم رابطه با همسر کمک می‌کند. در سطوح پایین اصالت، افراد با حمایت اجتماعی بیشتر از سوی اعضای خانواده، علائم افسردگی کمتری را نسبت به افرادی با سطوح پایین حمایت اجتماعی داشتند. این امر نشان می‌دهد که میزان بالای حمایت اجتماعی می‌تواند اثرات بی‌اصالتی را بر علائم افسردگی تعدیل کند (سالی، ۲۰۱۰). به طور کلی پژوهش‌های قبلی نشان می‌دهند که سطوح بالای اصالت با جنبه‌های مختلف سلامت روانشناختی از جمله بهزیستی ذهنی مثبت، عزت نفس و کیفیت روابط دوستی (سالی ۲۰۱۰)، تصور از خود (کراس و همکاران ۲۰۱۱)، روابط عاشقانه (نف و سیزو ۲۰۰۶؛ برونل و همکاران ۲۰۱۰) و غیره ارتباط دارند. صرف نظر از پژوهش‌های فوق‌الذکر که به تأثیرات اصالت و شخصیت اصیل پرداخته‌اند، در برخی پژوهش‌ها نیز به نقش تفاوت‌های جنسیتی در اصالت اشاره شده است. در ابتدا فرض پژوهشگرانی چون گلیگون و همکاران (۱۹۹۰) بر این بود که دختران به خاطر شیوه‌های خاص اجتماعی شدن نسبت به سطوح پایین اصالت، آسیب‌پذیر ترند و همین امر افسردگی بیشتر دختران را منجر می‌شود. با این حال تحقیقات اخیر نشان داده‌اند که اصالت برای مردان نیز پیامدهای مهمی را به لحاظ روانی به دنبال دارد (کیانگ و همکاران ۲۰۰۷؛ اسپنسر ۲۰۰۷) و یک پیش‌بینی‌کننده‌ی قوی برای سلامت روان مردان می‌باشد (نف و هارتر ۲۰۰۲). در حمایت از این یافته‌ها مطالعه سالی (۲۰۱۱) نشان داد که رابطه بین اصالت و نشانه‌های اختلال افسردگی برای دختران و پسران مشابه است. در تحقیقات دیگر برای تبیین تفاوت‌های جنسیتی در اصالت به این نکته اشاره شده است که مردان نسبت به زنان استقلال بیشتری دارند در حالی که زنان بیشتر وابسته هستند (کراس ۱۹۹۷ و گلیگون ۱۹۸۲). بر این اساس، تأکید مردان بر استقلال باعث تمرکز بیشتر آنها روی اهداف شخصی و سلطه بر دیگران می‌شود در حالی که تأکید زنان بر وابستگی منجر به تمرکز آنها روی مراقبت و مسئولیت و رفع نیازهای دیگران در رابطه می‌شود. در واقع کراس (۱۹۹۷) بیان می‌کند از دست دادن حس استقلال تهدیدی برای سلامت روان کسانی است که خودپنداره مستقل‌تری نشان می‌دهند، بنابراین می‌توان گفت سطوح پایین اصالت و قدرت، سلامت روان مردان را نسبت به زنان بیشتر به خطر می‌اندازد (به نقل از نف و سیزو، ۲۰۰۶). در مجموع، بررسی پژوهش‌های انجام‌شده پیرامون تفاوت‌های

جنسیتی در اصالت مؤید آنست که بین زنان و مردان به لحاظ سطوح اصالت تفاوت معنی داری وجود ندارد بلکه تأثیرات سطوح پایین اصالت، بر سلامت روانی هر یک از این گروه ها، متفاوت می باشد. با توجه به تأثیرات فراوان اصالت در زندگی فردی و اجتماعی، تا کنون تلاش های زیادی به منظور سنجش این سازه صورت گرفته است. در این راستا بررسی پژوهش ها گویای آنست که سنجش اصالت تا حد زیادی متأثر از تعریف و مفهوم سازی این سازه بوده است و با توجه به اینکه در سالهای اولیه بررسی علمی اصالت، تعاریف مبهمی از این سازه ارائه شده بود (هارتر ۲۰۰۲)، لذا ارزیابی و سنجش این سازه به صورت غیر معتبر و نامرتبب صورت می گرفت. به عنوان نمونه در پژوهش های اولیه برای سنجش اصالت از افراد خواسته شد که خود را در طیفی از "خود کاذب"<sup>۱</sup> تا "خود واقعی"<sup>۲</sup> رتبه بندی کنند (هارتر و همکاران، ۱۹۹۶). یا از مقیاس های غیرمستقیم مانند اینکه تا چه حد رفتار افراد در طول نقش های اجتماعی متفاوت است، استفاده می گردید (شلدون و همکاران، ۱۹۹۷). اخیرا بارت و لنارد (۱۹۹۸) به ارائه یک تعریف سه بخشی از اصالت و شخصیت اصیل پرداخته اند. این مفهوم سازی از اصالت، بیش از سایر تعاریف اصالت مورد قبول واقع شده است. در این تعریف، اصالت به عنوان سازگاری بین سه سطح؛ تجربه اولیه شخص، آگاهی و رفتار و ارتباطات بیرونی مطرح شده است. براساس این تعریف، افراد دارای شخصیت اصیل، دارای هویت بسیار با ثباتی هستند که دقیقا با واقعیت منطبق است (یعنی از خود بیگانگی پایینی دارند)، به صورت با ثباتی بر مبنای این ساختار هویت خود عمل می کنند (یعنی زندگی اصیل بالایی دارند) و به نیروهای بیرونی اجازه نمی دهند که ادراکات و رفتارهای اصالت گونه آن ها را تغییر دهند (یعنی پذیرش کم از تأثیرات بیرونی دارند)، (مالت بی و همکاران، ۲۰۱۲).

وود و همکاران (۲۰۰۸) با در نظر گرفتن تعریف مذکور، مقیاس سه عاملی شخصیت اصیل را با ۱۲ گویه طراحی نمودند. عوامل این مقیاس عبارتند از: ۱- از خود بیگانگی<sup>۳</sup> که با احساس بی هویتی و عدم شناخت خود توصیف می گردد، ۲- پذیرش تأثیرات بیرونی<sup>۴</sup> و ۳- زندگی اصیل<sup>۵</sup> که شامل رفتار کردن به طریقی است که با عقاید و ارزش های خود فرد سازگار باشد. زندگی اصیل بازتاب احساس اصالت است در حالیکه از خود بیگانگی و پذیرش تأثیرات بیرونی بی اصالتی قلمداد می گردد (پینتو و همکاران، ۲۰۱۲). در بررسی وود و همکاران (۲۰۰۸) همبستگی هر یک از عوامل با نمره کل برای عامل از خود بیگانگی ۰/۶۰، پذیرش تأثیرات بیرونی ۰/۵۸- و عامل

1-true-self

2- false-self

3-Self-alienation

4-accepting external influences

5- authentic-living

زندگی اصیل ۰/۶۳- به دست آمد. همچنین پایایی آزمون که از طریق روش بازآزمایی در بازه زمانی ۴-۲ هفته بدست آمد ضریب پایایی بین ۰/۷۸ تا ۰/۹۱ را نشان داد. علاوه بر این همبستگی از خود بیگانگی با زندگی اصیل ۰/۴۴-، از خودبیگانگی با پذیرش تأثیر بیرونی ۰/۴۰، زندگی اصیل با پذیرش تأثیر بیرونی ۰/۳۸ بر آورد شد. لازم به ذکر است که تا کنون از این مقیاس در چندین پژوهش استفاده شده است، برای مثال پژوهش‌های مالت بی و همکاران، ۲۰۱۲؛ جایگاه اصالت در بین مدل‌های موجود شخصیت، پینتو، ۲۰۱۱؛ بررسی رویکرد سه جانبه اصالت در مدل شخصیت گری و سیستم‌های بازداری و مدل زیستی اجتماعی شخصیت (کلونینگر)، پینتو، ۲۰۱۲؛ یک آزمون رفتاری از هورنای مربوط به اصالت و پرخاشگری، وایت و تریسی، ۲۰۱۱؛ بررسی بی‌تصمیمی شغلی و دستیابی به اصالت، قابل استناد می‌باشد. در پژوهش‌های فوق‌الذکر ضریب همسانی درونی ۰/۸۶ تا ۰/۷۰، ضریب بازآزمایی ۰/۷۸ تا ۰/۹۱ و آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۸۷ گزارش شده است. با توجه به جدید بودن مقیاس شخصیت اصیل از یکسو و با توجه به اینکه تا کنون مقیاس مذکور در ایران استاندارد سازی نشده بود، لذا بررسی روایی و پایایی مقیاس شخصیت اصیل (وود و همکاران ۲۰۰۸) کانون هدف مطالعه حاضر قرار گرفت. همچنین به بررسی تفاوت دختران و پسران در مقیاس شخصیت اصیل به عنوان هدف فرعی توجه شد.

## روش

این پژوهش توصیفی از نوع پیمایشی بود که با هدف اعتباریابی آزمون انجام شد. جامعه آماری مورد بررسی در این پژوهش عبارت از کلیه دانشجویان دانشگاه‌های اصفهان و علوم پزشکی اصفهان بودند. در این تحقیق نمونه‌ای مشتمل بر ۳۰۴ نفر (۱۵۰ دختر و ۱۵۰ پسر) با روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند. یکی از نقطه نظرات مطرح در حجم نمونه در تحلیل عاملی، اینست که حداقل حجم نمونه برابر با ۵ الی ۱۰ آزمودنی برای هر ماده می‌باشد (دیاکسون ۲۰۰۱)، که باتوجه به اینکه در پژوهش حاضر مقیاس شخصیت اصیل دارای ۱۲ گویه بود لذا کفایت حجم نمونه برای انجام تحلیل عاملی مورد تأیید می‌باشد.

## ابزار پژوهش

**مقیاس شخصیت اصیل - فرم ۱۲ سوالی:** مقیاس شخصیت اصیل توسط وود و همکاران (۲۰۰۸) طراحی شده است و مشتمل بر ۱۲ گویه می‌باشد که به صورت ۱ (اصلاً مرا توصیف نمی‌کند) تا ۷ (کاملاً مرا توصیف می‌کند) نمره گذاری می‌شود. این مقیاس یک مقیاس خود-گزارشی سه عاملی است که شامل از خود بیگانگی (۴ گویه)، پذیرش تأثیرات بیرونی (۴ گویه) و زندگی اصیل (۴ گویه) می‌باشد که گویه‌های زندگی اصیل به صورت معکوس نمره گذاری می‌شوند. در پژوهش

حاضر پس از ترجمه مقیاس توسط محققین و ترجمه معکوس توسط دو نفر از دانشجویان دکتری زبان انگلیسی، ترجمه فارسی با اخذ نظر از اساتید روانشناسی تهیه شد.

### یافته ها

نمونه حاصله متشکل از ۳۰۴ نفر، ۱۲۹ نفر (۴۲/۴ درصد) پسر و ۱۷۵ نفر (۵۷/۶ درصد) دختر بود. از بین افراد شرکت کننده ۱۵۱ نفر (۴۹/۰۷ درصد) در مقطع کارشناسی، ۱۵۰ نفر (۴۹/۳ درصد) در مقطع کارشناسی ارشد و ۳ نفر (۱ درصد) در مقطع دکتری مشغول به تحصیل بودند. از نظر سن، ۲۶۴ نفر (۸۶/۲ درصد) بین ۱۸ تا ۲۵ سال و ۴۰ نفر (۱۳/۸ درصد) بین ۲۵ تا ۳۰ سال داشتند همچنین میانگین سنی افراد نمونه ۲۳/۰۹ سال و انحراف معیار ۲/۳۲ بود. به لحاظ دانشگاه محل تحصیل، ۱۸۲ نفر (۵۹/۹ درصد) از دانشگاه اصفهان و ۱۲۲ نفر (۴۰/۷ درصد) از دانشگاه علوم پزشکی اصفهان بودند. از بین گروه نمونه ۸۱ نفر (۲۶/۶ درصد) بومی و ۲۳۳ نفر (۷۳/۴ درصد) غیر بومی بودند.

روایی برای تعیین روایی آزمون از ۴ روش، روایی محتوا، همبستگی گویه ها با نمره کل (تحلیل مواد)، ضریب همبستگی خرده آزمون ها با نمره کل و تحلیل عوامل استفاده شد. روایی محتوایی پرسشنامه از طریق نظر خواهی از صاحب نظران و متخصصین روانشناسی احراز شد. به منظور تحلیل مواد پرسشنامه و همچنین ضریب همبستگی خرده آزمون ها با نمره کل، از همبستگی بین نمرات آزمونی ها در هر گویه و هر خرده آزمون با نمره آن ها در کل پرسشنامه شخصیت اصیل استفاده شد. نتایج این تحلیل در جدول ۱، ارائه شده است.

جدول ۱: تحلیل مواد و همبستگی خرده مقیاس ها با نمره کل مقیاس شخصیت اصیل

شماره گویه	ضریب همبستگی با نمره کل
۱	۰/۶۳
۲	۰/۶۳
۳	۰/۶۸
۴	۰/۵۷
۵	۰/۴۸
۶	۰/۵۹
۷	۰/۵۰
۸	۰/۵۷
۹	۰/۴۵
۱۰	۰/۶۸
۱۱	۰/۷۲
۱۲	۰/۵۷
خرده مقیاس از خودبیگانگی	۰/۷۹

۰/۶۹

خرده مقیاس زندگی اصیل

۰/۷۶

خرده مقیاس پذیرش نفوذ بیرونی

نکته: کلیه ضرایب در سطح  $p < 0/01$  معنی دار بودند

نتایج جدول ۱ نشان می‌دهد که ضرایب همبستگی گویه‌ها با نمره کل در تمام موارد معنی دار و بین ۰/۴۵ تا ۰/۷۹ متغیر بود. لذا در این مرحله هیچ یک از گویه‌ها حذف نشد. همچنین ضریب همبستگی بین خرده مقیاس از خودبیگانگی با نمره کل ۰/۷۹، خرده مقیاس زندگی اصیل با نمره کل ۰/۶۹ و خرده مقیاس پذیرش نفوذ بیرونی ۰/۷۶ برآورد گردید.

به منظور انجام تحلیل عاملی مقیاس شخصیت اصیل، ابتدا شاخص KMO که گویای کفایت نمونه‌گیری است بررسی شد. این شاخص برابر با ۰/۸۰ محاسبه شد. همچنین آزمون کرویت بارتلت برابر ۱۴۳۸/۴۱ بود که در سطح  $p < 0/0001$  معنی دار بود و حکایت از معنی داری ماتریس همبستگی داده‌ها داشت. تحلیل عاملی اکتشافی مقیاس با استفاده از روش مولفه‌های اصلی و چرخش واریماکس انجام شد. ملاک استخراج عوامل، شیب منحنی اسکری و ارزش ویژه (Eigen Value) بالاتر از ۱ بود که بر اساس آن سه عامل عمومی بزرگتر از یک استخراج شد. نتایج تحلیل عاملی مقیاس به همراه بار عاملی هر گویه در جدول شماره ۲ ارائه شده است.

جدول ۲: نتایج تحلیل عاملی مقیاس شخصیت اصیل

عامل سوم	عامل دوم	عامل اول	گویه‌ها
		۰/۷۸	۱
		۰/۸۱	۲
		۰/۷۶	۳
		۰/۷۰	۴
	۰/۷۴		۵
	۰/۷۸		۶
	۰/۷۵		۷
	۰/۷۱		۸
۰/۵۹			۹
۰/۸۲			۱۰
۰/۸۵			۱۱
۰/۸۰			۱۲
۱/۴۷	۱/۷۹	۴/۳۳	مقدار ارزش ویژه
۱۲/۲۶	۱۴/۹۷	۳۶/۱۵	درصد واریانس تبیین شده

نتایج جدول ۲ نشان می دهد که مقیاس شخصیت اصیل از ۳ عامل تشکیل شده که با توجه به سوالات مربوط به هر عامل، عامل شماره ۱ با عنوان از خودبیگانگی، عامل شماره ۲ با عنوان زندگی اصیل و عامل شماره ۳ با عنوان پذیرش نفوذ بیرونی نامگذاری شد. ارزش ویژه اول، عامل دوم و سوم به ترتیب  $۴/۳۳$ ،  $۱/۷۹$  و  $۱/۴۷$  بود و در مجموع این سه عامل  $۶۳/۳۸$  درصد از واریانس کل را تبیین می کردند. همچنین بررسی بار عاملی گویه ها (بارعاملی قابل قبول بالاتر از  $۰/۴۰$  بود) نشان داد که بارعاملی گویه ها بین  $۰/۵۹$  تا  $۰/۸۵$  متغیر بود. در این راستا، هیچ یک از گویه ها حذف نشد و نسخه نهایی مقیاس با ۱۲ گویه تهیه شد. در نسخه نهایی مقیاس - فرم ۱۲ سوالی که در پیوست مقاله ضمیمه می باشد؛ سوالات ۱، ۲، ۳، ۴، ۱۰، ۱۱، ۱۲ مربوط به عامل از خودبیگانگی، سوالات ۵، ۶، ۷، ۸، ۹ مربوط به عامل زندگی اصیل و سوالات ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳ مربوط به عامل پذیرش نفوذ بیرونی می باشند.

**پایایی:** به منظور مطالعه پایایی مقیاس، از روش های همسانی درونی و پایایی تنصیفی استفاده شد. نتایج این تحلیل در جدول شماره ۳ ارائه شده است.

**جدول ۳: ضرایب آلفای کرونباخ و پایایی تنصیفی مقیاس شخصیت اصیل**

شاخص پایایی مقیاس	ضریب آلفای کرونباخ	ضریب پایایی تنصیفی
خرده مقیاس از خودبیگانگی	$۰/۸۰$	-
خرده مقیاس زندگی اصیل	$۰/۷۷$	-
خرده مقیاس پذیرش نفوذ بیرونی	$۰/۸۱$	-
کل مقیاس شخصیت اصیل	$۰/۸۲$	$۰/۷۴$

نتایج جدول فوق نشان می دهد که ضرایب آلفای کرونباخ برای کل مقیاس، خرده مقیاس از خودبیگانگی، خرده مقیاس زندگی اصیل و خرده مقیاس پذیرش نفوذ بیرونی در حد مطلوب و به ترتیب  $۰/۸۲$ ،  $۰/۸۰$ ،  $۰/۷۷$  و  $۰/۸۱$  می باشند. همچنین ضریب پایایی تنصیف مقیاس شخصیت اصیل نیز  $۰/۷۴$  برآورد گردید.

#### **مقایسه دختران و پسران در مقیاس شخصیت اصیل:**

به منظور مقایسه نمرات دختران و پسران در مقیاس شخصیت اصیل از آزمون T برای گروه های مستقل استفاده شد. نتایج این تحلیل در جدول ۴ ارائه شده است.



جدول ۴- مقایسه دانشجویان پسر و دختر بر اساس مقیاس شخصیت اصیل

گروه‌ها	شاخص‌های آماری	میانگین	انحراف معیار	درجه آزادی	t	سطح معنی داری
پسر	۳۳/۸۸	۱۱/۳۱	۲۸/۲۱	-۱/۰۱	۰/۸۳	
دختر	۳۵/۲۵	۱۱/۹۸				

نتایج جدول فوق نشان می‌دهد که بین میانگین نمرات دختران و پسران در مقیاس شخصیت اصیل تفاوت معنادار وجود ندارد.

### بحث

هدف از پژوهش حاضر بررسی روایی و پایایی مقیاس شخصیت اصیل- فرم ۱۲ سوالی (وود و همکاران، ۲۰۰۸) در ایران بود. اهمیت پژوهش حاضر با عطف نظر به عدم وجود مقیاس مذکور در ایران و همچنین تأثیرات فراوان برخورداری از شخصیت اصیل در جنبه‌های فردی (سلامت روانی، تصور از خود، عزت نفس، خصومت)، خانوادگی (رضایت از زندگی، روابط صمیمانه، کیفیت روابط عاشقانه)، اجتماعی و شغلی افراد (روابط با دوستان، حمایت اجتماعی، رضایت از نقش‌های شغلی، هدف‌گزینی شغلی) بیش از پیش مشخص می‌شود (برای مثال؛ هارتر و همکاران، ۱۹۹۶؛ تولمن و همکاران، ۲۰۰۰؛ هارتر، ۲۰۰۲؛ لویز و رایس، ۲۰۰۶؛ برونل و همکاران، ۲۰۱۰؛ کراس و همکاران، ۲۰۱۱).

مقیاس شخصیت اصیل (وود و همکاران، ۲۰۰۸) یک مقیاس مناسب برای سنجش مؤلفه‌های اصالت انسانی است که همگام با جنبش روانشناسی مثبت و تأکید بر نقاط قوت و توانمندی‌های انسان‌ها، طراحی شده است. مقیاس مذکور علاوه بر جدید بودن، به دلیل داشتن ویژگی‌های روانسنجی مطلوب و تعداد گویه‌های کم، تاکنون در مطالعات متعددی مورد استفاده قرار گرفته است (وایت و تریسی، ۲۰۱۱؛ پینتو، ۲۰۱۱؛ مالبی و همکاران، ۲۰۱۲). نتایج حاصل از روایی و پایایی مقیاس، گویای کفایت روانسنجی مطلوب مقیاس بود و با مطالعه اصلی جهت سنجش روایی و پایایی مقیاس همخوانی داشت (وود و همکاران، ۲۰۰۸). بررسی تفاوت‌های جنسیتی در مقیاس شخصیت اصیل، عدم وجود تفاوت معنی‌دار بین دختران و پسران را نشان داد. این یافته با یافته‌های سایر پژوهش‌های انجام شده در این خصوص (اسپنسر، ۲۰۰۷؛ سالی، ۲۰۱۱) همخوان است. بر این اساس به نظر می‌رسد که اصالت‌سازه‌ای پایدار ۱ و صفت‌گونه ۲ است که تحت تأثیر متغیر

- 1- Robust
- 2- Trait

جنسیت واقع نمی شود، لذا شناسایی و بررسی عوامل مؤثر بر شکل گیری شخصیت اصیل در آزمودنی های ایرانی پیشنهاد می شود. نکته دیگر که در خصوص مقیاس شخصیت اصیل قابل ذکر است؛ مفهوم شناخت خویشتن است. در این راستا با نگاهی به گویه ها و همچنین خرده مقیاس های شخصیت اصیل مشخص می شود که شناخت واقعی خود و عمل مطابق با آن، به عنوان هسته ی مرکزی شخصیت اصیل مطرح می باشد (هارتر، ۲۰۰۲). و این مفهوم دقیقاً همان چیزی است که در دین مبین اسلام و همچنین فرهنگ ایرانی، با عنوان "شناخت خویشتن" مورد تأکید است. مروری بر برخی آیات و روایات و تأکیدات ائمه معصومین، همچنین ادبیات و فرهنگ ایرانی، گنجینه ای عظیم از معارف و تلویحاتی را آشکار می سازد که به اهمیت و ضرورت "شناخت خویشتن" اشاره داشته اند. برای مثال، سنریم آیاتنا فی الآفاق و فی انفسهم (قرآن کریم، فصلت/ آیه ۵۳)، اعلمکم بنفسه اعلمکم بریه (پیامبر اکرم ص)، معرفت النفس انفع المعارف (حضرت علی ع)، من عرف نفسه فقد عرف ربه (حضرت علی ع)، من هانت علیه نفسه فلا تأمن شره (امام هادی ع)، یا ایاتی مانند: کاروان رفت و تو در خواب و بیابان در پیش / کی روی ره ز که بررسی چه کنی چون باشی.

هرچند که امکان طرح این معارف عمیق در این مقاله نمی گنجد با این وجود به پژوهشگران علاقه مند پیشنهاد می شود که به ساخت و مفهوم سازی مقیاس های بومی شخصیت اصیل با رویکرد اسلامی - ایرانی پرداخته و وجود تمایز و تشابه آن را با نسخه فارسی مقیاس شخصیت اصیل (وود و همکاران، ۲۰۰۸) بررسی نمایند. در این راستا، پژوهش حاضر می تواند شواهدی در جهت روایی همزمان مقیاس های مذکور فراهم نماید. علاوه بر موارد مذکور، بررسی کفایت روان سنجی و شناسایی اصالت شخصیت افراد و گروه های خاص نظیر متقاضیان جراحی زیبایی، مدگرایان، متقاضیان زندگی و مهاجرت به خارج از کشور، بزهکاران و دختران فراری، از دیگر پیشنهادات پژوهش حاضر می باشد. همچنین با عنایت به تأثیرات فراوان شخصیت اصیل در زندگی زناشویی (برونل و همکاران، ۲۰۱۰) و شغلی (هارتر و همکاران، ۱۹۹۶؛ وایت، ۲۰۱۰)، به نظر می رسد که مشاوران خانواده و ازدواج و همچنین مشاوران شغلی بتوانند از مقیاس شخصیت اصیل در شناسایی و پیش بینی رضایت شغلی و زناشویی (هارتر و همکاران، ۱۹۹۶؛ برونل و همکاران، ۲۰۱۰)، مراجعین خود، کمک بگیرند. صرف نظر از نقاط قوت پژوهش حاضر، برخی موارد از قبیل محدود بودن گروه نمونه دانشجویان، عدم وجود مقیاس مشابه برای احراز روایی همزمان مقیاس و عدم انطباق کامل گویه های مقیاس با مفهوم سازی اسلامی - ایرانی از شخصیت اصیل، از جمله محدودیت هایی هستند که تعمیم نتایج پژوهش حاضر را با احتیاط مواجه می سازند. در مجموع،

نتایج حاصل از پژوهش حاضر گویای آن بود که نسخه فارسی مقیاس شخصیت اصیل- فرم ۱۲ سؤالی، از ویژگی‌های روان‌سنجی مطلوبی برای کاربرد در ایران برخوردار می‌باشد.

#### منابع

- Tolman, D. L., & Porche, M. V. (2000). The adolescent femininity ideology scale: Development and validation of a new measure for girls. *Psychology of Women Quarterly*, 24, 365-376.
- Harter, S. (2002). Authenticity. In C. R. Snyder & S. J. Lopez (Eds.), *Handbook of positive psychology* (pp. 382-394). Oxford, England: Oxford University Press.
- Linley, P. A., Joseph, S., Harrington, S., & Wood, A. M. (2006). Positive psychology: Past, present, and (possible) future. *The Journal of Positive Psychology*, 1, 3-16.
- Peterson, C., & Seligman, M. E. P. (2004). Introduction: Strengths of courage. In C. Peterson & M. E. P. Seligman (Eds.), *Character strengths and virtues: A handbook and classification* (pp. 197-212). Oxford, England: Oxford University Press.
- Sheldon, K. M. (2004). Integrity (honesty/authenticity). In C. Peterson & M. E. P. Seligman (Eds.), *Character strengths and virtues* (pp. 249-272). New York: Oxford University Press.
- Neff, K. D., & Harter, S. (2002a). The authenticity of conflict resolutions among adult couples: Does women's other-oriented behavior reflect their true selves? *Sex Roles*, 47, 403-417.
- Lopez, F. G., & Rice, K. G. (2006). Preliminary development and validation of a measure of relationship authenticity. *Journal of Counseling Psychology*, 53, 362-371.
- Harter, S., Marold, D. B., Whitesell, N. R., & Cobbs, G. (1996). A model of the effects of perceived parent and peer support on adolescent false self behavior. *Child Development*, 67, 360-374.
- Gilligan, C., Lyons, N. P., & Hammer, T. J. (1990). *Making connections: The relational worlds of adolescent girls at Emma Willard School*. Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Liang, B., Tracy, A., Kenny, M., & Brogan, D. (2008). Gender differences in the relational health of youth participating in a social competency program. *Journal of Community Psychology*, 36, 499-514.
- Spencer, R. (2007). 'I just feel safe with him': Emotional closeness in male youth mentoring relationships. *Psychology of Men & Masculinity*, 8, 185-198.
- Neff, K. D., & Harter, S. (2002). The authenticity of conflict resolutions among adult couples: Does women's other-oriented behavior reflect their true selves? *Sex Roles*, 47, 403-417.
- Cross, S. E., & Madson, L. (1997). Models of the self: Self-construals and gender. *Psychological Bulletin*, 122, 5-37.
- Gilligan, C. (1982). *In a different voice: Psychological theory and women's development*. Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Harter, S. (2002). Authenticity. In C. R. Snyder & S. J. Lopez (Eds.), *Handbook of positive psychology* (pp. 382-394). Oxford, England: Oxford University Press.

- Harter, S., Marold, D. B., Whitesell, N. R., & Cobbs, G. (1996). A model of the effects of perceived parent and peer support on adolescent false self behavior. *Child Development*, 67, 360–374.
- Sheldon, K. M., Ryan, R. M., Rawsthorne, L. J., & Ilardi, B. (1997). Trait self and true self: Cross-role variation in the big-five personality traits and its relations with psychological authenticity and subjective wellbeing. *Journal of Personality and Social Psychology*, 73, 1380–1393.
- Barrett-Lennard, G. T. (1998). *Carl Rogers' helping system: Journey and substance*. London: Sage.
- Neff, Kristin D. Suizzo, Marie-Anne (2006). Culture, power, authenticity and psychological well-being within romantic relationships: A comparison of European American and Mexican Americans. *Cognitive Development* 21. 441–457
- Maltby, John Wood, Alex M., Diana Pinto, Liz Day (2012). The position of authenticity within extant models of personality. *Personality and Individual Differences* 52. 269–273.
- Brunell, Amy B., Kernis, Michael H., Goldman, Brian M., Heppner, Whitney, Davis, Patricia, Cascio, Edward V., Webster, Gregory D. (2010). Dispositional authenticity and romantic relationship functioning. *Personality and Individual Differences* 48. 900–905.
- Kraus, Michael W., Chen, Serena, Keltner, Dacher (2011). The power to be me: Power elevates self-concept consistency and authenticity. *Journal of Experimental Social Psychology* 47. 974–980.
- Pinto, Diana G., Maltby, John, Wood, Alex M., Day, Liz (2012). A behavioral test of Horney's linkage between authenticity and aggression: People living authentically are less-likely to respond aggressively in unfair situations. *Personality and Individual Differences* 52. 41–44
- Theran, Sally A. (2011). Authenticity in relationships and depressive symptoms: A gender analysis. *Personality and Individual Differences* 51. 423–428.
- White, Nathan J., Terence J.G. Tracey (2011). An examination of career indecision and application to dispositional authenticity. *Journal of Vocational Behavior* 78. 219–224.
- Wood, A. M., Linley, P. A., Maltby, J., Baliousis, M., & Joseph, S. (2008). The authentic personality: A theoretical and empirical conceptualization, and the development of the authenticity scale. *Journal of Counseling Psychology*, 55, 385–399.
- Pinto, Diana G., Maltby, J., Wood, Alex M. (2011). Exploring the tripartite model of authenticity within Gray's approach and inhibition systems and Cloninger's biosocial model of personality. *Personality and Individual Differences* 51. 194–197.
- Horney, K. (1951). *Neurosis and human growth*. London: Routledge.
- Hu, L. T., & Bentler, P. M. (1999). Cutoff criteria for fit indices in covariance structure analysis: Conventional criteria versus new alternatives. *Structural Equation Modeling*, 6, 1–55.
- Harter, S., Marold, D. B., Whitesell, N. R., & Cobbs, G. (1996). A model of the effects of perceived parent and peer support on adolescent false self behavior. *Child Development*, 67, 360–374.